

سمیه نورافشان، خسته بود و به هیچ عنوان راضی به مصاحبه نمی شد. بعد از ۳ ماه اصرار بالاخره از وسط کلاس رضایت داد تا ۳۰ دقیقه با او گفتگوی کوتاه داشته باشیم. به او گفتیم اینکه یک بانوی ایرانی آواز بخواند و این آواز را به دختران ایرانی آموزش دهد زیباست.



دختران ایرانی آواز بخوانند

گفتگوی یک بانوی خواننده
و استاد آواز ایرانی



صفحه ۳

گفتگوی
اختصاصی

سکوت و سانسور تلخ رسانه‌های ایران از یک رخداد

ردپای ستاد ملی صبر

از چوبه‌دار

نجات ۴۴۲ اعدامی

صفحه ۲

پرونده
دامگستر

سایت‌ها و کانال‌های نکاح موقت و پلنتفرم‌های ارائه‌خانه خالی از خبرنگاران، آزادترند!

صیغه؛ ساعتی ۴۰۰ هزار تومان!

توثیق‌های انتقادی از دولت یاقوای دیگر به سرعت و با تلفن خبرنگار احضار و بازخواست می‌شود اما هرزگی و ترویج فحشا تحت نام نکاح موقت اسلامی و غیره و تبلیغات خانه خالی برای مسئولان دست به شکایت اهمیت چندانی ندارد؟ چندی قبل تصویر یکی از همین کانال‌ها را منتشر کردم که خانم‌های زیادی در این کانال ساعتی ۴۰۰ هزار تومان خود را تحت نام نکاح موقت ارائه می‌کردند. بله صیغه از نظر اسلام و قرآن و خدا و پیغمبر هیچ ایرادی ندارد. حتی سینمای ایران هم در ترویج این مسیر پیشرو است. اما ولنگاری و عدم نظارت بر این آسیب اجتماعی نیاز نیست؟ برای دولت و حکومت‌اهمیتی ندارد چه دختران و زنانی و به چه نحوی و چرا عضو ثابت کانال‌های صیغه هستند؟ چه افرادی این وسط نفع می‌برند؟ اگر اجازه‌خانه‌خالی ساعتی از طریق برخی پلنتفرم‌ها ایراد خاصی ندارد چرا بر هتل‌ها ساخت می‌گیرد؟

سال‌های ۸۵ و ۸۶ بود که سردار مرتضی طلائی رئیس پلیس تهران هشدار داد که خانه‌های مجردي در تهران در حال افزایش است. رسانه‌ها بر او تاختند و سیاسیون به او گفتند دیگر از این واژه‌ها و اخبار استفاده نکنند. سانسور اخبار مرتبط با فساداخلاقی در رسانه‌های کشور و دوری رسانه ملی و بایکوت خبری تحلیلگران آسیب‌های اجتماعی موجب شده تا امروز شاهد تبلیغات گسترده اجاره ساعتی خانه و آپارتمان در پایتخت جمهوری اسلامی ایران باشیم. در کنار آن کانال‌های مجازی به نام نکاح موقت بازرداغی دارند. زنان و دختران جوان مشخصات خود را به ادمن داده و حاج آقا در ازای ۱۰۰ هزار تومان حق العمل معرفی دخترخانم ساعتی به آقا پسر، هر دورا به هم می‌رساند. جدای از اینکه از نظر شرعی چطور می‌شود یک خانم دو ساعت صیغه شود و فردا دوباره آگهی دهد این سوال برای روزنامه نگار مطرح می‌شود که چرا

ماجرای بازداشت روزنامه نگار

تشکیل ۴ پرونده جدید برای «کسای زاده»

صفحه ۴



از افشای پرونده
گاف‌گاو تاسرقت
۸ میلیون سکه طلا
از خزانه و مداح ۶۰
میلیونی دربند عباسی

دهانت
راببند

قوه قضائیه امروز به پلیس قضایی نیاز دارد

نجات ۴۴۲ اعدامی هیچ رسانه و خبرنگاری اقدامات ستاد ملی صبر را پوشش خبری نداد

گفتگو با رئیس مرکز شوراهای حل اختلاف قوه قضائیه

اختصاصی ماهنامه میدان آزادی

فقط در زمان یک هفته سالگرد شهادت سردار سلیمانی ۱۶ نفر از قصاص نجات یافته و ۳ هزار نفر از زندان آزاد شدند.

گفتگو کوتاه



و خیرین بازار و صنعت و معدن، رسانه ای ها، افراد مشهور و معتبر از ورزشکاران و هنرمندان که فعالیتشان اثربخش است و جمعی از خادمان امام رضا(ع) حضور دارند که بسیار با ارزش و موثر است. شما تصور کنید وقتی با پرچم امام رضا(ع) در خانه خانواده مقتول صاحب حق و خون هستند حاضر می شویم به احترام این پرچم و خادمان پارک اداای احترام کرده و رضایت می دهند. این جمع پر عظمت و قوی و ارزنده دارند کار می کنند اما گلابه ما از رسانه ها است که این اقدامات را پوشش درستی نمی دهند. شاید هم ما مقصر هستیم که در بحبوحه کارها مستمر از آنها دعوت نمی کنیم.

رئیس مرکز شوراهای حل اختلاف کشور در پاسخ به اینکه شوراهای حل اختلاف با عدم حضور شاکی قفل می شوند و کاری از دستشان بر نمی آید گفت: از دشواری کار ما است که شاکی حاضر نمی شود. یکی از کارهای خوب که در دستور کار داریم تسهیل برای حضور شکات است. بعنوان مثال اگر بشود غیر حضوری گفتگوی تصویری و صوتی داشته باشیم بسیاری از گره ها باز می شود. حتی در برنامه های مرکز است که اگر شاکی نیامد به صورت تلفنی با او گفتگو کنیم. حتی چه ایرادی دارد که اگر وکلا در پرونده ها برای صلح و سازش همکاری کنند. برای آنها امتیازی در نظر گرفته شود.

رئیس مرکز شوراهای حل اختلاف کشور تعداد شوراهای حل اختلاف در سراسر کشور را حدود ۷ هزار و ۵۰۰ شعبه عنوان کرد و گفت: از این میان، ۴ هزار و ۵۰۰ شعبه در شهرها و مابقی در روستاها است. بیشتر پرونده‌ها در محل مراجعه در شعب شهری است. در طی یکسال گذشته بیش از ۵ میلیون پرونده در سراسر کشور وارد شوراهای شده و رسیدگی هم شده است. این آمار مربوط به سال ۱۴۰۱ است که به طور کلی در این سال ۴ میلیون و ۹۶۰ هزار پرونده بوده در سال جاری تا پایان ماه بالای ۵ میلیون پرونده وارد شورا شده و پیش بینی می شود به ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار پرونده تا آخر سال برسد. وی در پاسخ به اینکه چقدر از این پرونده ها رسیدگی شده و به صلح و سازش رسیده است؟ گفت: همین تعداد هم رسیدگی شده است. در مجموعه شورا به طور میانگین ۴۳ درصد مواردی که ظرفیت سازش در آن وجود دارد در سال ۱۴۰۱ سازش شده است. پیش بینی ما این است که در سال ۱۴۰۲ به بالای ۴۵ درصد برسیم. این پرونده هایی که امکان سازش در آن ها است، ۳ میلیون و خرده ای پرونده است و مابقی

گفتگو | ماهنامه سراسری میدان آزادی | سید هادی کسایی زاده

حجت الاسلام هادی صادقی فارغ التحصیل رشته ریاضی و فیزیک در مقطع دیپلم و فارغ التحصیل رشته الهیات در مقطع کارشناسی که در سال ۱۳۳۲ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. دروس مقدمات و سطح حوزوی را در مدت شش سال به پایان رساند و هفت سال به خواندن درس خارج اشتغال داشت. وی از سال ۱۳۷۰ تاکنون در رشته کلام جدید به تحصیل و تحقیق اشتغال دارد. صادقی کارشناسی ارشد دین‌شناسی را از مؤسسه امام خمینی و دکتری رشته کلام جدید را از مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم اخذ کرده است. او امروز بعنوان رئیس شورای حل اختلاف قوه قضائیه مشغول به خدمت است و نخستین معاون فرهنگی قوه قضائیه را در کارنامه خود دارد. صادقی پیشتر رئیس مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما و دانشکده صدا و سیما قم و رئیس چند مرکز آموزش عالی بوده است. گفتگوی ما با او کوتاه است چون هم وقت مصاحبه شونده ذیق بود و هم برای چند سوال کوتاه میهمان بودیم.

جناب آقای صادقی، شما یک «ستاد ملی صبر» ذیل مرکز شوراهای حل اختلاف ایجاد کردید که وقتی خبر آن منتشر شد، گروهی مسخره کردند که این دیگر چه دکانی است؟ و گروهی هم گفتند چقدر جالب است، این ستاد در چه وضعیتی است؟ تزیینی بود یا دارد کار می شود؟

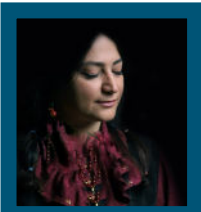
صادقی در پاسخ به آرم ستاد ملی صبر روی سینه خود اشاره می کند و می گوید: اصل ستاد «صبر» مخفف و به معنای صلح و بخشایش و رضایت است. این فقط تزیین نیست یک واقعیت پیش رونده است که بسیار کار دارد. از جمله اینکه پوشش های متعددی را در طی سال ایجاد کرده و اجرایی کردیم و بخشی از موفقیتی که در طی سه سال اخیر پیدا کردیم نتیجه تلاش های ستاد ملی صبر است. در آخرین پوششی که ستاد ملی صبر در ۹۶ روز اجرا کرد (از روز تولد امام حسین (ع) در سال ۱۴۰۱ تا خردادماه ۱۴۰۲ میلاد امام رضا(ع)) ۴۴۲ نفر از چوپه دار از سوی خیرین و ستاد صبر رهایی یافتند و این اثر بزرگی است. ۱۲ هزار نفر از زندانیان هم از زندان ها آزاد شدند. همچنین در سال گذشته در سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی در زمان یک هفته ۱۶ نفر از قصاص نجات یافته و ۳ هزار نفر از زندان آزاد شدند.

در سراسر کشور تعداد زیادی همکار ستاد صبر داریم که کارمند ما نیستند، به شکل آزاد با ما همکاری می کنند و هر وقت لازم باشد به میدان می آیند و وساطت می کنند. درون این جمع، سران عشایر، بزرگان اقوام، بزرگان

گفتگوی کوتاه با استاد آواز ایرانی

دختران ایرانی آواز بخوانند خانواده از آواز شما حال خوب می گیرد

گفتگو | ماهنامه سراسری میدان آزادی | سید هادی کسایی زاده



سمیه نورافشان از نسل بیچه های دهه ۶۰ است که با اینکه رشته تحصیلی گرافیک خوانده و از گرافیکس های حرفه ای محسوب می شود اما از سال ۹۱ برحسب اتفاق می فهمد که صدای خوبی دارد و آرام آرام با تمام سختی ها وارد آموزش آواز ایرانی می شود و امروز هم بعنوان خواننده و هم مدرس آواز ایرانی برای دختران ایرانی هنر می آموزد. گفتگو با اساتید آواز به ویژه بانوان سخت است چون به دلیل قوانین کشور و مسائل شرعی برخی تمایل به گفتگو ندارند اما سمیه نورافشان از حس و حال خوب آواز ایرانی و تأثیر آن بر زندگی شهرنندان می گوید و از دختران و زنان ایرانی می خواهد که آواز بخوانند تا زندگی آنها رنگ و نشاط بگیرد. می گوید: اولین بار است که مصاحبه می کنم. متولد ۱۳۳۰ هستم و لیسانس گرافیک دارم. یک روز در حال زمزمه آوازی بودم که دوستانم گفتند صدای خوبی داری و بهتر است کلاس بروی و من هم ادامه دادم. برای آموزش آواز در خدمت اساتیدی همچون معصومه مهر علی، افسانه رسایی و استاد لیلای رحیمی و خانم پریسا تلمذ کردم. البته در فضای مجازی و از طریق فیلم ها و آواها از اساتید بنامی همچون استاد شجریان، استاد بنان، استاد معتمدی و غیره هم بهره بردم. به گفته شاگردان او سمیه نورافشان بانویی آرام و خوش برخورد است و کلاس های او در کنار یادگیری صداسازی و ردیف های آوازی بیشتر جنبه مدیتیشن دارد برای همین برخی از شاگردانش حتی با داشتن صدایی نه چندان مناسب تمایل دارند در این دوره ها شرکت کنند.

نورافشان در این گفتگو می گوید که چند باری اجرا داشته و روی سن فرهنگسرای ارسباران برای بانوان آواز خوانده است. او تدریس را حس خوبی برای زندگی کردن می داند. برای همین تمایل دارد بیشتر آوازه خوان تربیت کند تا اینکه آواز بخواند. او استاد محمد معتمدی را در تدریس الگو قرار داده و با متدهای او کار می کند. نورافشان، خانم ها قمر، روح انگیز، پریسا، رسایی را بعنوان آوازخوان های ایرانی دنبال می کند. او مسیر آواز ایرانی را مسیر طولانی می داند که برخی شاگردان در میان مسیر به سمت پاپ یا پاپ سنتی می روند و گروهی هم ادامه می دهند. استاد سمیه نورافشان معتقد است که خانم ها و دختران ایرانی باید آواز بخوانند و این آواز خواندن نه برای اینکه خواننده حرفه ای شوند بلکه برای آن توفیق می شود که حال دل آنها خوب باشد. تصور کنید مادر یا خواهر یا همسر و دختر شما در خانه برای شما آواز بخواند یا موسیقی بنوازد. چقدر این لحظه زیباست و شما چه لذتی خواهید برد. همین عشق و لذت و حال خوب برای آن بانویی که می خواند چندین برابر است و به او اعتماد به نفس خوبی می دهد. حتی در تاریخ ایران زمین و در اقوام به آواز زنان بختیاری، لر، بلوچ، فارس، بوشهری و غیره سینه به سینه ایرانیان ثبت و ضبط شده است. مثلاً از همین نوا و آواز در تیتراژ سریال منتهای زمانه با صدای محلی و لایایی خانم صدیقه بحرانی چه لحظات معنوی و زیبایی پدید آورد. و لایایی مادران ایرانی که نخستین خوانندگان زندگی ما بودند که با این نوا خو گرفتیم و بزرگ شدیم. سمیه نورافشان با بیان اینکه بیش از سه سال بدون آنکه خانواده بدانند در کلاس های آواز شرکت می کردم گفت: این محدودیت ها در خانواده های ایرانی کاهش یافته اما باز هم در میان شاگردانم مخالفت همسران و والدین مشاهده می شود. به اعتقاد من اگر یک دختر یا بانوی ایرانی در کلاسی که مدرس آن بانو است آموزش ببیند و منطبق با قوانین کشور حرکت کند مشکل خاصی رخ نخواهد داد. بدیهی است که باید خانواده ها مسیر را برای خالی کردن انرژی دختران خود بازتر کنند. قطعاً دختری که به سمت موسیقی و آواز ایرانی می رود قصد هنرآموزی و نواختن و سرودن موسیقی و اشعار زیبایی ایرانی و فارسی را دارد و باید به این تصمیم زیبا احترام گذاشت. اگر آنها را محدود کنیم یا مجبورند پنهانی وارد آموزشگاه های زیرزمینی شوند که بسیار نامناسب است و یا اینکه خواسته ها و علایق خود را سرکوب کنند. و همین سرکوب تأثیرات نامطلوبی در روند زندگی آنها و خانواده خواهد داشت. من در میان شاگردانم افراد زیادی می‌بینم که یا دچار افسردگی و متاثر از مرگ عزیزانشان و یا تأثیرات طلاق، فوت فرزند، از دست دادن شغل و یا زندانی و حتی ترک اعتیاد داشتند اما پس از ورود به دوره ها و حضور در جمع های ۱۰ تا ۱۵ نفره تأثیرات انرژی مثبت موسیقی ایرانی را درک کردند و واقعا حال روحی آنها بهبود یافت. تا حدی که وقتی کلاس به دلایلی لغو می شد، معترض بودند در خواست داشتند همه شاگردان یک روز تعطیل در کافی شاپ کنار هم جمع شوند و من هم آنها را همراهی می کردم. البته این نوع روش و دوستی در هر

کلاس یا آموزشگاهی مشاهده نمی شود. برخی فقط به دنبال کسب درآمدند و طبق یک اصولی تدریس می کنند و می روند در حالی که استاد باید با شاگردانش همراه و همدل باشد. به ویژه آواز ایرانی که همنوایی و همدل بودن لازمه حرکت اوست. نورافشان می گوید: دهه های سنی افراد در جامعه سلیق متفاوتی دارند. بر اساس آنچه خودم مشاهده و تجربه کردم دختران دهه ۸۰ و ۹۰ بیشتر علاقه به پاپ دارند و دختران دهه ۷۰ هم پاپ سنتی دوست دارند. و اما دهه سوخته ۶۰ مثل خودم در آواز ایرانی غوطه ور هستیم. سمیه نورافشان در کنسرت های بسیاری از اساتید، مانند استاد محمد رضا شجریان، همایون شجریان، سالار عقیلی، محمد معتمدی و علیرضا قربانی حضور داشته و استفاده کرده است. او می گوید: آرزو دارم تمام خانم های ایرانی در همین ایران آواز یاد بگیرند و در کشور خودشان بخوانند. می گوید: تمام اعضای خانواده من آواز می خوانند و زشت ترین صدا در خانه صدای من است. در مهمانی ها و شب نشینی های خانوادگی نوبتی آواز می خوانیم و همه لذت می برند. این لذت بردن از آواز در میان نزدیکان و خانواده آنچنان زیباست که نمی توان آن را وصف کرد. در شب نشینی ها، زمان، صرف سریال تلویزیونی یا غیبت کردن و پرداختن به مشکلات اقتصادی و سیاسی نمی شود بلکه نیمی از زمان صرف صداهای خوبی می شود که برای آن زحمت فراوانی کشیده شده تا حنجره به این درجه برسد. این همان خواسته ای است که از دختران ایرانی دارم. آواز بخوانند و از آواز خواندن خود و خانواده لذت ببرند. برای همسران، برای مادر، پدر، دایی و عمو و هر که دوستش دارید صدای خوب شما قطعاً برای او آرامش بخش و زیبا خواهد بود. خودتان هم لذت و آرامش خواهید برد. متأسفانه وقتی سخن از آواز زنان به میان می آید برخی افراد تنگ نظر و تندرو افکار را به سمت مطرب خانه و رقص و مستی می برند. آواز ایرانی این نیست. آواز ایرانی شاعری را نچوای می کند که کتاب شعرش در کنار قرآن کریم قرن هاست محل استخاره شده است. آواز ایرانی قاعده و قانون و ردیف دارد و خواندن این آواز رتبه و مرتبه برایش تعریف شده است. برای همین به هر فردی نمی توان گفت خواننده آواز ایرانی و این نشانه اهمیت و مرتبه آن است.

بدیهی است که یادگیری آواز ایرانی برای زنان و دختران همانند آقایان سخت است اما تمرین و ممارست می تواند یک بانوی ایرانی را پس از چند سال به یک خواننده خوش صدا تبدیل کند. مگر آنکه به دلایلی یک فرد صدای خوبی نداشته باشد. برای همین گام اول صداسازی و تربیت و تقویت حنجره است و پس از آن گام به گام متدهای آوازی و ردیف ها آموزش داده می شود. سمیه نورافشان می گوید: بهتر است آنهایی که برای آواز ایرانی پیش قدم شده و آموزش می بینند یک ساززها هم یاد بگیرند. نواختن ساز ایرانی می تواند خواننده را در رسیدن به صدایی خوب و آموزش درست بیشتر، بهتر همراهی کند. این استاد آواز ایرانی توصیه می کند که قبل از ثبت نام و آغاز آموختن آواز ایرانی تصمیم خود را قطع بگیرید چراکه حنجره آدمی با تمرین و ممارست آماده می شود و اگر تمرینات ضعیف باشد و یا بین کلاس ها وقفه بیفتد اگر صد سال هم دوره ها طول بکشد هیچ تأثیری نخواهد داشت.

سمیه نورافشان گفت: توجه به رژیم غذایی، مراقبت و سلامت حنجره، تمرینات درست، آموزش درست، صداسازی خوب و اطاعت از دستورات استاد آواز لازمه آموزش در آواز ایرانی است. اگر فردی بدون توجه به تمرینات آوازی بخواند یا صدای ناهنجاری از حنجره خود خارج کند احتمال آنکه مدت زیادی نواند. آواز بخواند بسیار است و در میان شاگردان بسیار داشتیم. بنابراین آموزش آواز یک کار بسیار سخت و تخصصی و حرفه ای است و چون مستقیم با یکی از اعضای مهم بدن (حنجره) ارتباط مستقیم دارد با یک اشتباه و تمرین و مراقبت نادرست شاید فرد کارش به درمان و گاه عمل جراحی منتهی شود.

سمیه نورافشان می گوید: شاید امروز موسیقی پاپ و راک و یا مامل های جدید خواندن مورد علاقه نسل جوان باشد اما آواز ایرانی هیچ وقت قدیمی نمی شود. همانطور که پس از ۱۰۰ سال همچنان صدای بسیاری از خوانندگان آواز ایرانی قدیمی همچنان از خودوری شهر و زبان بخش می شود. اگر خواننده ای به درستی آواز را یاد بگیرد می تواند با تصنیف های زیبا خواسته مخاطبان را تأمین کند و به زیباست آوازی که از اشعار غنی و پندآمیز استفاده کند. این استاد آواز ایرانی در پایان این گفتگو از مسئولان درخواست کرد تا توجه بیشتری به آواز ایرانی کنند. ما در ایران باید همچنان شاگردانی در دهه استاد شجریان، استاد بنان، استاد نظری، استاد شاه زیدی و غیره ... تربیت کرده و تحویل جامعه موسیقی دهیم. این یعنی موفقیت در حوزه فرهنگ و هنر ایرانی ...

گفتگو ویژه میدان آزادی

گفتگو کوتاه





ماهنامه سراسری میدان آزادی
(اجتماعی-سیاسی)

شماره: ۱۰
۳۰ آذر ۱۴۰۲
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی کسایی زاده
چاپخانه: آیین چاپ

خبرنگار، طراح و سردبیر:
سید هادی کسایی زاده

آدرس:
تهران-خیابان آیت الله کاشانی-خیابان
بهنام-کوچه بهنام سه-ساختمان پارسه
واحد ۴-تلفن: ۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴

یادداشت سردبیر

ماجرای بازداشت یک روزنامه‌نگار



سید هادی کسایی زاده

از شکایت سازمان بازرسی کل کشور از خبرنگار ضدفساد تا محکومیت برای توثیق در مورد رضائقتی که نور علی نور است.

یادداشت سردبیر | ماهنامه سراسری میدان آزادی

اگر مجرمانه باشد یکی در دادرسی کارکنان دولت و دیگری در مجلس مواخذه یا محاکمه خواهند شد. اما اگر یک روزنامه‌نگار توثیق کند با یک سیگار فروش سرچهارراه فرقی ندارد هر دو در یک جایگاه هستند. برای همین مسئولان به راحتی با شکایت های متعدد بابت توثیق خبرنگاران آنها را به جای دادگاه مطبوعات و هیات منصفه راهی دادگاه های عمومی می کنند که بعضا قضات هیچ شناختی از رسانه و خبرنگاری ندارند.

***ماجرای توثیق مداح ۶۰ میلیون تومانی!**

در توثیق اخیر که داشتم به موضوع ۶۰ میلیون تومان هزینه مداحی نریمان پناهی در بندرعباس اشاره کردم که از سوی شهرداری بندرعباس رزرو و دعوت شده بود. نامه مرتبط با دعوت و درخواست تامین هزینه را منتشر و توثیق کردم و این نامه در مدت زمان کوتاهی در کل کشور دست به دست شد. بعد شهرداری بندرعباس با تأیید این دعوت به نوعی با فضا سازی رسانه ای خود را به در و دیوار زد که افشای نامه و هزینه گم شود. اما اصل نامه و مبلغ درست بود و شنیدم همین توثیق موجب شده مبلغ پرداخت نشود. رسانه ملی و رسانه های خالص با تخریب من آن نامه را مسخره کردند و گفتند که اسم مداح نریمان پناهی است و در نامه نریمان کریمی نوشته شده و این کار فوتوشاپ از سوی کسایی زاده احمقانه بوده است. اول) برای من اهمیتی ندارد چه کسی مداح بوده، من در مورد مبلغ نوشتم. دوم) این اشتباه از سوی شهرداری بندرعباس بوده است نه خبرنگار...! مگر من بیکارم نامه جعل کنم و شهرداری بندرعباس یا مداحی را تخریب کنم؟ خبرنگار چیزی که واقعتاً است را برای تنویر افکار عمومی منتشر می کند. برای همین از اعضای شورای شهر بندرعباس می خواهم کمیته تحقیق و تفحص در این مورد تشکیل دهند. چون شنیدم بعد از توثیق من سیستم مکاتبات اداری قفل شد.

***پرونده سازی جدید آقایان در دادرسی شهری**

آخرین پرونده تشکیل شده برای من از سوی دو فرد بازداشتی از یک اتحادیه صنفی در شهری است. دادیار شعبه ۱۰ شهری می گوید چون خبر بازداشت دو عضو متخلف اتحادیه بدون ذکر نام و نام خانوادگی را منتشر کردی دخالت در پرونده است و تو مجرم هستی در حالی که چنین اخباری بدون نام در همه رسانه ها حتی رسانه های ملی هر روز منتشر می شود. این هم در کنار پرونده سازی هایی که علیه من رخ داده قرار می دهم.

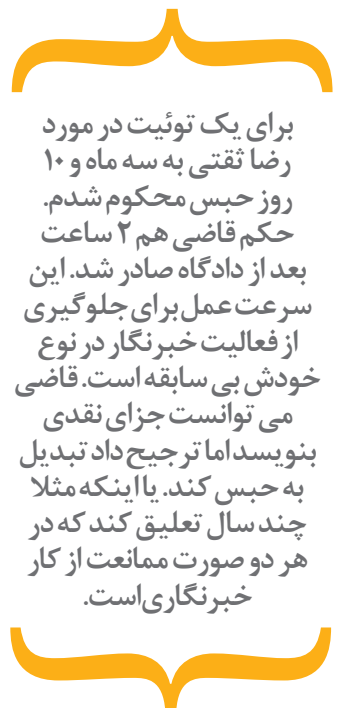
***سرقت ۸ میلیون سکه طلا از خزانه دولت**

ماجرای سرقت ۸ میلیون سکه طلا از خزانه دولت هم توثیق کردم و ایزرال شد. اما این خبر برای ۳ سال قبل است و آن زمان دولت روحانی سرکار بود و آقای رئیسی رئیس قوه قضائیه بودند. حتی فیلم اظهارات دادستان تهران را هم توثیق کردم. جالب اینکه بسیاری از مسئولان در رده های مختلف تماس می گرفتند و جزئیات را می خواستند. این نشان می دهد آنقدر خبرهای بد داریم که این فسادها در آن گم شده و فراموش می شوند.

این ماه آذر (ماه تولدم) برای من شانسی نمی آورد. تقریباً هر سال در ایام تولدم بازداشت می شوم. یک بار در روز تولدم ۱۲ روز انفرادی اوین بودم و چند سال بعد اول در کنار توالت کلاتری حضرت عبدالعظیم (ع) و بعد به زندان تهران بزرگ منتقل شدم. امسال هم از سوی شعبه اجرای احکام دادرسی کارکنان دولت در دادگاه شهید قدوسی تهران دستبند به دستم زدند و مرا به دادستانی تهران بردند. بعد هم گفتند اشتباه شده و آزاد شدم. اما سوال من از رئیس قوه قضائیه این است که چه افرادی و با چه قدرت و نفوذی می توانند پرونده مختومه شده ۵ سال قبل را از لایبلی قفسه های بایگانی بیرون بکشند و فشار بیاورند تا من دستگیر شوم؟ آیا از نظر شرعی، اخلاقی و قانونی درست است؟ من از قوه قضائیه به ویژه دادرسی شکایت نکردم در حالی که طبق قانون می توانستم شکایت کنم اما با تمام این احوالات باز هم به دستگاه قضایی احترام می گذارم.

***ماجرای شکایت سازمان بازرسی از خبرنگار ضدفساد!**

از همه بدتر آنکه در مدت ۴ روز موجی از احضاریه ها و ابلاغیه ها برای من ارسال شد. تا مرز سکنه پیش رفتم و واقعا قلبم درد گرفت. رضا ثقتی متهم بازداشت شده (مدیرکل ارشاد گیلان) به دلیل جرمی که در تمام رسانه ها منتشر شد چه اثبات شود یا نه آبروی نظام را برد. من هم در همان ایام یک توثیق در مورد این پرونده منتشر کردم که به لطف قاضی محترم به ۳ ماه و ۱۰ روز حبس محکوم شدم. آیا واقعا این نحوه برخورد با خبرنگار درست است؟ خب یک پیام بدهید بفرمائید آقای روزنامه نگار لطفا حرف نزن...! اما اینطور اذیت نکنید. در پرونده دیگری این بار رئیس سازمان بازرسی استان تهران از بنده شکایت کردند. داستان از این قرار است که در دو شماره ماهنامه میدان آزادی در مورد بازداشت غیرقانونی ۳ دامدار تحصیل کرده در زندان اوین مطلب نوشتیم که گاوهای آنها به تعداد ۸۰ راس هم باز غیرقانونی سلاخی شد. بعد از انتشار نامه ها و احکام قضایی حتی رئیس دیوانعالی کل کشور هم بابت این گزارش قدرانی کرد. اما چون پای سازمان بازرسی دقیقاً وسط این پرونده بود و زیاد هم از افشای آن رضایت نداشت اقدام به شکایت کرد. شما تصور کنید که سازمان بازرسی کل کشور که ذره بین و دزدگیر و ضدفساد کشور است وقتی از خبرنگار ضدفساد و گزارشگر خودش شکایت کند تا ته ماجرا را بخوانید. این روزها خیلی راحت می شود علیه خبرنگار پرونده سازی کرد. الحمدلله قوانین ما هم همه در اختیار و حمایت مسئولان است و هیچ قانونی به صراحت مصونیت خبرنگار را تأیید و تأکید نکرده است. یک پرونده هم شهرداری تهران همچنان پیگیر است تا بتواند من را محکوم کند تا تلافی تمامی توثیق های نقدی که برای شهرداری نوشتیم در آید. اما چند نکته در مورد توثیق هایم باید عرض کنم اول آنکه در این کشور توثیق خبر محسوب نمی شود و به آن به چشم فحش و ناسزا دیده می شود. جالب است وقتی یک فردی مانند محمدجواد ظریف یا حمید رسایی توثیق می کنند



برای یک توثیق در مورد رضا ثقتی به سه ماه و ۱۰ روز حبس محکوم شدم. حکم قاضی هم ۲ ساعت بعد از دادگاه صادر شد. این سرعت عمل برای جلوگیری از فعالیت خبرنگار در نوع خودش بی سابقه است. قاضی می توانست جزای نقدی بنویسد اما ترجیح داد تبدیل به حبس کند. یا اینکه مثلاً چند سال تعلیق کند که در هر دو صورت ممانعت از کار خبرنگاری است.

گزارش | ماهنامه سراسری میدان آزادی | سید هادی کسایی زاده

هادی عباسی معاون وزیر راه و شهرسازی با اشاره به ارسال اطلاعات بیش از ۴۰ هزار واحد مسکونی خالی جدید به سازمان امور مالیاتی، گفته است: در مرحله اول اطلاعات ۱۹ هزار و ۲۹۰ خانه خالی برای سال مالیاتی ۱۴۰۱ معرفی شده بود. از ابتدای امسال در مجموع ۵۹ هزار و ۵۰۳ واحد مسکونی خالی بر اساس سامانه املاک و اسکان طی دو نوبت به سازمان امور مالیاتی معرفی شده است.

وی با بیان این که بر اساس ماده ۵۴ مکرر قانون مالیات های مستقیم هر خانه ای که بیش از ۱۲۰ روز در یک سال مالیاتی خالی باشد مشمول دریافت مالیات است، افزود: شناسایی این خانه ها بر اساس ماده ۱۶۹ مکرر همان قانون، از طریق سامانه املاک و اسکان انجام می شود.

وی بیان کرد: پیش از ارسال فهرست به مالکان در قالب ارسال پیامک یا نامه اخطار لازم داده شد تا اطلاعات افراد ساکن در واحدهای مسکونی خود را در سامانه املاک و اسکان ثبت کنند. بر اساس بند ۵ تبصره ۸ ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات های مستقیم اشخاص حقیقی و حقوقی که در مهلت مقرر نسبت

به تکمیل اطلاعات سکونت، مالکیت و ملک خود اقدام نمایند به عنوان خانه خالی، به سازمان امور مالیاتی معرفی می شوند.

وی گفت: پالایش و بررسی برای سایر املاک مسکونی در حال انجام است و به محض اتمام فرآیند، واحدهای مسکونی که خالی تشخیص داده شوند، برای اخذ مالیات به سازمان امور مالیاتی معرفی خواهند شد.

عباسی با بیان این که سال ۱۴۰۰ حدود ۶۶ هزار واحد مسکونی برای اخذ مالیات خانه های خالی به سازمان امور مالیاتی معرفی شده بود، اضافه کرد: تمام مالکان و مستأجران موظفند برای ثبت اطلاعات خود به سامانه املاک و اسکان به آدرس amlak.mrud.ir مراجعه کرده و اطلاعات ملکی و سکونتی خود را ثبت کنند تا این منازل خالی تلقی نشود. همچنین خبر دیگر آنکه بیش از ۴۰ هزار مالک دارای ۵ خانه خالی به سازمان امور مالیاتی در مرحله دوم (سال مالیاتی ۱۴۰۱) معرفی شده اند. این اظهارات معاون وزیر راه و شهرسازی نشان دهنده نافرمانی بنگاه های املاک و عدم اتصال به سامانه های دولتی و مالیاتی است. اگر آنها همراهی می کردند این همه فرار مالیاتی رخ نمی داد.

